

کلمه طبعی

ملا حسین نوری طبرسی

www.ketab.ir

سرشناسه : نوري ، حسين بن محمد تقی ، ۱۲۵۴- ۱۳۲۰ ق.
عنوان و نام پدیدآور: کلمه طیبه / حسين نوري طبرسي .
مشخصات نشر: تهران : بهشت جاوید، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهري : ۴۸۰ ص .
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۴۹-۲۶-۳
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه به صورت زیر نویس .
موضوع: صقه در اسلام.
موضوع : انفاق .
رده بندی کنگره : ۱۳۹۳ ۸ ک ۹/ن۹ BP۱۹۳/
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۶
شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۳۶۸۸۶

کلمه طیبه

حسین نوری طبری
انتشارات بهشت جاوید

سال چاپ : ۱۳۹۳

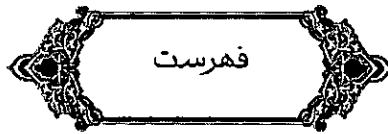
شمارگان : ۵۰۰

نوبت چاپ : اول

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۴۹-۲۶-۳

قیمت : ۳۳۰۰۰ تومان

مرکز پخش : تهران - خیابان پیروزی- خیابان زاهد گیلانی - کوچه بابایی پلاک ۸
تلفن : ۳۳۷۹۴۲۸۰



مقدمه	۹
پایه اول: در ذکر اعانت و یاریت از هر ملتی علمای مذهب خود را	۱۳
پایه دوم: در ذکر اختلال ملت و خرابی شریعت غراء و اشراف حمله آن به انعدام و نزدیک شدن اساس الاسلام و قیام بن مبین به انهدام و برگشتن اسلام به حال غربت اول	۱۷
پایه سوم: در ذکر بلاها و مصائب که از آثار مفاصده سلف و نایج اعمال گذشته و غیر آنهاست و خلائق به آنها در دنیا معذب و مبتلایند	۲۹
پایه چهارم: در بیان لزوم احترام و تعظیم علماء و مؤمنین و طالبان معرفت و دین خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله و سلم) و بیان حقیقت و کیفیت آن بالنسبه به اسلام و ذکر لزوم معاشرت و استیناس به آنها و فواید آن	۵۳
پایه پنجم: در ذکر سایر صفات و جهات و وجوه و عناوین موجوده در اهل علم و مشغولین و اخیار و متدیوس خصوص قاطنین در عتبات عالیات و مجاورین قباب عرش	

درجات ۱۰۵

پای نهم : در تدبیر اصلاح امور این طائفه به نحو اجمال و نگاه داری آثار اهل بیت (علیهم السلام) نگاه داری ایشان و رفع پاره شبّهات مانع از اعانت این جماعت. ... ۱۵۳

پای دهم : در مدح انفاق و فوائد صدقات ۱۷۱

پای یازدهم : در شروط صدقه و آداب انفاق که بی مراعات آنها فواید و ثمرات آن به دردت نرسد ۲۱۱

پای دهم : در اقسام صدقه و انفاق به ملاحظه دواعی و غایات، یعنی اغراضی که به جهت تحصیل آنها صدقه دهند و آنچه آن را دهند و کسی که بر او انفاق کنند. ۲۴۵

پای دهم : در بیان انکسار در انفاقات و صدقات گاهی مقصود شخصی است یعنی رسیدن خیر به آدمی مخصوص و رسیدن به این جهت که در اوست. ۳۵۵

پای یازدهم ۳۵۹

پای دوازدهم ۳۶۱

پای سیزدهم : در شمه‌ای از حاصل فضل صدقه به مالک خوش و بیانی دلکش که سببش سهل و حفظش آسان و سزاوار است سپردن آن را رسیدای مکنون جنان و نوشتنش بر رخسار حور جنان؛ ۳۶۳

پای چهاردهم ۳۶۹

پای پانزدهم : در مدح و ترغیب بر شرکت در صدقه و انفاقات ۳۹۳

پای شانزدهم : در شرح حال جماعتی از تهی‌دستان ۴۰۱

پایه دهم : در بیان اجمالی از تکلیف فقراء و محتاجین و گیرنده بالنسبه به اغنیاء و اهل ثروت و معرفت حکم سوال از ارباب اموال به زبان حال یا مقال ۴۰۷

پایه دهم : در شمه از تکلیف مسئولین که به ملاحظه سائلین بر ایشان وارد شده علاوه بر آن حق که پیش از سوال داشتند ۴۳۷

پایه دهم : در ذکر پاره از زمان و مکان که سببند برای زیاد شدن اجر و ثواب صدقه و انفاق و آنها ۴۶۳



سیاسی بی اندازه و مقیاس، و دانش را سزااست، که گوهر گرانبهای دانش را، در گنجینه سربیره بنی آدم به ودیعت گذاشت و مشتی خاد تن را به نه داری حضرت مقدس خود برگزید و بر آن گوهر گماشت، هیچ نعمتی به کسی نبخشود که بر نعمت دانش فرو نشاند و تاج عزتی بر تارکی ننهد که برای آن به پیشانی مسکنت به خاک نیفتاد و درود بی حد و نهایت به روان یک مفسد رسالت و سر چشمه علوم و سراچه هدایت و بر آل اطهارش باد، که زینده هر ثنا و ستایش و فروزنده دلها به نور حکمت و دانشند.

و بعد چنین گوید: بنده مذهب حسین بن محمد تنی نوی طبرسی حشر هما الله مع موالیهما، که پوشیده نماند بر اخوان مؤمنین و برادران مسلمین که این حقیری بااعتزاز سرگردان وادی جهالت، پس از نظر در احوال اهل علم و طلاب علوم دین و خرابی امور معاش و زندگانی و معاش و گسستن رشته اشتغال به جهت التجاء طایفه ای از ایشان از روی ضرورت و نیاز به اهل غنی و ثروت این بچار و ارباب ملک و عقار، چه مرافقت این فریق با مصاحبت توفیق چون آتش و آب و کتان و ماهتاب هرگز به جمع نشود. و قدرت حرکت از وطن و مسقط الراس خود به سوی مرکز علم و مجمع علما و استادان فن ندارند و حساب مقدار قوت خود و اهل عیالشان، خود به خواندن نماز و روزه و به جا آوردن حج نیابتی از برای غیر و اشتغال در جماعتی در دفع ظلم و ناملایمات که از اهل عدوان بر ایشان یا بر متعلقان ایشان می رسد و تحمل آن در شمع و شعله و رها نیست و تعظیم و توقیر علماء از میان مردم برداشته شده و بی وقع بودن در انظار به حدی که پاره ای از مجالست و مکالمه؛ بلکه از نظر و مشاهده ایشان تنفر و گریزان بود و نبودشان مساوی و یکسان است. و علوم حقه و سنن احمدیه و سیره علویه و آثار ائمه هدی به انهدام و پراکندگی نزدیک شده است. چه قوام و استحکام آنها به قوام حاملین و حافظین آنها است و فرو گرفتن شبهات ملحدین و زخارف زنادقه و دهریین، ضعفا و بطلان را و رغبت کردن ایشان در رفع شبهات به راسخین در علوم دین و ظاهر نکردن علماء حقایق علوم را و غیر اینها از خرابی و مفاسد که از آثار پریشانی و اختلال امور اهل دین است. چنان دیدم که باندداشتن استعداد مالی و بدنی و تعذر رفع

هم و پریشانی از این فرقه ناجیه و عصابه مهتدیہ اگر، چنانچه شرح بی بضاعتی و پراکندگی اسباب تحصیل اهل علم و بیان شأن و مقام و جوب تعظیم و احترام علوم خیرالانام و تکالیف حالیه و مالیه و بدنیه خلائق را، نسبت به ایشان به نحو اختصار داده می‌شد، با اشاره به مقطوعات کتاب و سنت و شواهد و جدان و درایت و اجتناب از کلام جزاف و اخبار ضعفا شاید به مطالعه و تامل در آن طالبین احسان و تابعین امناء رحمن را رغبت و میلی پیدا شده و هر کس به قدر قوه و استعداد در مقام اصلاح این فساد و برداشتن توشه از برای معاد برآیند، این سبب حقیر را در سلک یاری کنندگان شرع قدیم و راهنمایان صراط مستقیم، در آورده در روز پسین در صفوف اصحاب یمین جای دهند. از ناظرین انتظار دارم که در مطالعه این اوراق به انصاف نظر مضایقه نکنند شاید از رسیدن به فوائد آن ناامید نباشد و شمارند و نام این کتاب را کلمه طیبه گذاشتم و در بستان شریعت احمدی نخل امید می‌کاشتم و آن مستقیم است بر مقدمه و نوزده باب، در مقدمه فهرست مطالب ابواب، به نحو اجمال ذکر می‌شود.

باب اول: در ذکر عنایت اهل هر مذهبی در ترویج دین و اعانت مروجین ملت و آئین خود و حراست آن به قدر امکان به حق و برادر است.

باب دوم: در ذکر خوبی ملت بیضاء و ضعف شریعت غراء نزدیک شدن جمله آنان به انهدام و رفتن هم اعانت حفظ اسلام، از میان نافه و پریشانی حال طالبین علوم سیم در مشاهده شریفه.

باب سوم: در ذکر بلا و آفات از آثار مفاسد مذکوره است و خلق به آنها معذب و مبتلایند.

باب چهارم: در بیان لزوم اعانت علمای مؤمنین و شرح حقیقت معنی تعظیم و کیفیت آن بالنسبه به اهل علم و لزوم معاشرت و استیناس با ایشان و توان آن در آن چهار فصل است.

اول در لزوم احترام و توقیر و ذم توهین و تحقیر در بیان حقیقت معنی تعظیم و اقسام آن سوم در تفصیل تعظیم علماء و شرح سلوک با ایشان چهارم در بیان اقسام در معاشرت اهل علم و تحریر بر مراده با ایشان.

باب پنجم: در ذکر سایر صفات و جهات موجوده در اهل علم خصوصاً ساکنین ایشان در عتبات عالیات که ملاحظه هر یک خود کافی در لزوم احترام و اعانت است و آنست که چنین است.

اول: این که این طایفه از مجاهدین اند و بیان علت فضل و امتیاز که جهاد اکبر است بر دادن جان که جهاد اصغر است دوم: آنکه این گروه زوار ائمه دینند سوم: آنکه این فضل را بر ابطین اند چهارم: آنکه این قوم مجاورینند و ذکر پاره از الطاف خاصه به مجاورین که سبب زیادی یقین است پنجم: آنکه این زمره آباد کنندگان خانه‌های خداوند ششم: آنکه این جماعت از مهاجرین اند: هفتم: آنکه این عصابه رفقه سمدوحین محسوبند هشتم: آنکه این دسته در سلسله غربا در شمارند.

باب ششم: در تدبیر صلاح امور این طایفه به نحو اجمال و بیان تکلیف هر کس در امر جا بالنسبه و ذکر موانع اعانت این طایفه و رفع آن.

باب هفتم: در مدح صدقه و انفاق به بیانی کلی و آنچه از آیه شریفه خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیه بها و صل علیهم ان صلواتک سکن لهم^۱ توان استنباط کرد و در آن سه فصل است. اول در فائده تطهیر دوم در فائده

تزکیه است که ذکر اجمالی از کیفیت تزکیه پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سوم در فائده سکون و اطمینان که ثمر دعای پیغمبر است برای صدقه دهنده باب هشتم: در شروط و آداب صدقه و انفاق، خداوند آن را به زرع که بیرون می آید تشبیه می کند مطابق اخبار اهل بیت (علیهم السلام) و آن پانزده چیز است.

باب نهم: در اقسام صدقه به ملاحظه غرض که برای چه باید داد و به چه کسی باید داد و به چه باید داد و در آن سه مقام است اول: در اقسام آن به ملاحظه اغراض و آن سی و یک چیز است و در آخر آن ذکر شده است پاره حکایات و کرامات که از دادن صدقه دیده می شد دوم: در اقسام آن به ملاحظه آنچه می شود داد و چه خیری به بندگان می رسد. آن پنج چیز است اول حالات قلبیه دوم: اعانت به جوارح و اعضاء سوم: خیرات زبان چهارم: مال پنجم: تر و آنچه که متمکن است از انجام دادن آن و عفو از جرائم و عصیان سوم: در اقسام آن به ملاحظه گیرنده از خیر و نفع و علماء و مساکین و همسایه و عاجزین و حیوانات و نباتات و جمادات و در آنجا ذکر شده و بعضی مطالب تربیفه و حکایات لطیفه و سر بزرگی حق همسایه و ادکار حیوانات.

باب دهم: در آنکه خیر و نفع صدقه گاهی خاص و گاهی عام و اشاره به نفع آن باب یازدهم: در حکم دادن صدقه به دست خود و به وسیله دیگران. باب دوازدهم: در این که صدقه را باید برای حفظ وجود مبارک امام عصر روحنا و روح العالمین فداه داد و یا نه و حضرت را بر خود و هر عزیز دیگری در صدقه دادن مقدم داشت.

باب سیزدهم: در شمه ای از احکام فضائل صدقه به کلامی شیرین و مختصر.

باب چهاردهم: در فضل اعانت مسکین و سادات عظام و ذکر اخبار و حکایات وارده در دیدن خیرها در اعانت به ایشان.

باب پانزدهم: در مدح و ترغیب بر شرکت در صدقه و انفاق و به اهل خیر و سعادت و در آخر آن به مناسبتی که حکایت بنای مسجد جمکران که در یک فرسخی قم است و امر امام عجل الله تعالی فرجه و رسیدن حسن مثله خدمت آن جناب ذکر شده.

باب شانزدهم: در شمه ای از حال آنهایی که آنچه دارند و توانایی را در راه خداوند نمی دهند و از خدای تعالی مال تازه می خواهند که از آن صدقه کنند و عقوبت این تمنی و معصیه چه می باشد و در قرآن مجید ذکر فرموده بیان می شود.

باب هفدهم: در شرح حال فقراء و مساکین و بیان سؤال از خالق و حکم سائل از مملوق و اقسام آن از واجب و مستحب و حرام و مباح و مکروه و مفسد آن که سبب کراهت است و آن بیست و سه مورد بزرگ است. باب هیجدهم: در شمه ای از تکلیف مسئولین و آداب ایشان با سائل که آن چهار چیز است و بیان محل وجوب و استحباب و حرام و مکروه و مباح از اجابت سؤال.

باب نوزدهم: در ذکر بعضی از ازمنه و امکانه که اتفاق کردن در آنها امتیازی دارد.